

یادداشتی به قلم محمد عسلی

آسیب شناسی دخالت نمایندگان در قوه مجریه

از ویژگی های حکومت مردم سالار «دموکراسی» استقلال قوای سه گانه مقننه، مجریه و قضاییه است. به این معنی که هر یک از قوا بدون دخالت دیگری پاسخگوی مسئولیت های خود باشند.

به گزارش گروه جامعه پایگاه خبری گفتمان فارس، «محمد عسلی» مدیر مسوول روزنامه عصر مردم در یادداشتی به عنوان «آسیب شناسی دخالت نمایندگان در قوه مجریه» آورده است؛

از ویژگی های حکومت مردم سالار «دموکراسی» استقلال قوای سه گانه مقننه، مجریه و قضاییه است. به این معنی که هر یک از قوا بدون دخالت دیگری پاسخگوی مسئولیت های خود باشند. این استقلال از آن رو اهمیت دارد که از اعمال استبداد پیشگیری می کند. تشخیص، انتخاب، نظارت، هماهنگی، ارزشیابی و نگهداری از شاخصه های مدیریتی است که با برنامه ریزی برای مهمترین امور مملکتی از طریق سلسله مراتب اداری اجرایی می شوند. اگر هر یک از اعضاء قوا در کار یکدیگر دخالت کنند و در عزل و نصب ها اعمال نفوذ نمایند آنچه بیشتر ضربه می بیند هماهنگی بین اعضا و نظارت است.

بارها دیده شده که جمع یا یکی از اعضا نمایندگان استان در انتخاب استاندار، فرمانداران و یا مدیران کل دخالت می کنند و برای انجام خواسته هایشان از گزینه سئوال، استیضاح و یا رأی استفاده می کنند و ارزشیابی اقدامات دولت را در پذیرش یا قبول خواسته های خود مطمح نظر قرار می دهند.

حتی بعضا دیده شده که در انتصاب یک بخشدار هم دخالت یا اعمال نظر می کنند. علت آن را می توان در نتیجه انتخابات مجلس دانست. به این معنی که فلان نفر که طرفدار فلان نماینده است و می تواند در کسب آراء موفق باشد باید به کار گرفته شود و فرماندار شود. این سنت غیرمعمول که قوه مجریه را تضعیف می کند و مسئولیت و پاسخگویی را از او سلب می نماید پسندیده حکومت مردم سالار نیست. زیرا مجلس زمانی می تواند از عهده وظایف مهم خود برآید که در روند بده بستان نیفتد. نقاط قوت و ضعف دولت را بدون ملاحظه و جانب نگری ببیند آنگاه از گزینه استیضاح و یا رأی مثبت و منفی استفاده کند.

تعهد و تخصص نمایندگان در مسئولیت پذیری و محبوبیت آنها زمانی می تواند به کار آید که هر یک از نمایندگان که در کمیسیون های مجلس عضویت می یابند در کار خود باتجربه، خبره و مقید به رسالت کاری باشند. بدیهی است تنها وقتی این مهم به منصفه ظهور می رسد که یک قوه چهارم که مطبوعات و رسانه ها هستند از آن آزادی برخوردار باشند که بتوانند آیینگی کنند و خوب و بد و متوسط را نمایان سازند بی آنکه قوه دیگری بتواند این آزادی را از آنها بگیرد مگر آنکه دروغ یا اغراض آنان کشف شود.

اعتبار یک نماینده مجلس صرفا به توصیه برای رفع مشکلات فلان شهرستان یا بخش و روستا نیست بلکه حضور یک نماینده در مجلس به طرح مسائلی است که به خوبی بتواند در رفع مسائل مملکت مؤثر و تأثیرگذار باشد. اگر دولتی در ایفای وظایف خود موفق عمل نکند ریشه مشکل را باید در مجلس جستجو کرد. زیرا مجلس گذشته از تأیید یا رد هر یک از اعضاء دولت در مقام وزیر با حربه استیضاح و سئوال می تواند برای دولت خوراک تهیه کند. یعنی طرح ارائه دهد و به تصویب برساند. این حق مجلس است. اما پس از تصویب حق مجلس نیست که در کار دولت امر و نهی نماید یا دخالت کند. زیرا مسئولیت دولت خدشه دار می شود.

به زبان ساده تر باید بگویم هر یک از قوای سه گانه در قانون اساسی و قوانین منشعب از آن وظایف و مسئولیت هایشان به صراحت تدوین شده و جای ابهامی وجود ندارد. مشکل زمانی است که گرچه نماینده ای توانسته است آراء حوزه انتخابیه خود را از طریق انتخابات کسب نماید اما از توانایی و دانش یا تخصصی که بتواند شأنیت مجلس را حفظ کند برخوردار نباشد. این اشکال به نحوه ارزیابی های شورای نگهبان و یا هیأت نظارت بر انتخابات برمی گردد که صرفا به تعهد و سلامت نامزدها می پردازند و کمتر به توانایی آنها در هر آنچه که لازمه نمایندگی است توجه دارند.

یک مجلس قوی یک دولت قوی را در پی خواهد داشت و یک دولت قوی مملکت را قوی می کند و نگه می دارد.

حفظ نظام و مقابله با دشمنان داخلی و خارجی با شعار و فریاد عملی نیست. آنچه نظام ایرانی اسلامی را به خوبی سر پا نگه می دارد توانمندی مجلس و دولت و قوه قضائیه است که سه پایه و سه رکن حاکمیت هستند و رهبری که عمود خیمه نظام است. هماهنگی بین سه قوه به معنای دخالت در امور یکدیگر نیست. گلیم چهارگوشی است که هر کدام به سهم و توان خود گوشه ای از آن را گرفته اند.

دریچه محدودیت های ناصواب را باید باز کرد و هوای تازه ای به درون فرستاد به قول یکی از شاعران بگذاریم که احساس، هوایی بخورد. همه زیر یک پرچم چشم ها را بگشائیم، اطرافمان را به خوبی ببینیم. از داخل به بیرون سرک بکشیم و جهان در حال گذار را با عقلانیت و دانش به نقد و تحلیل بنشینیم و برایمان مهم باشد که همسایگان ما در چه وضعیتی هستند و چه نقاط ضعف و توانایی هایی دارند. خود را در جزئیات رفتار مردم خلاصه نکنیم، روند زندگی طبیعی را حفظ کنیم و آلاپندگی ها را پاکسازی نماییم. همه با هم که اگر جز این شود شاهد خسارت های بیشتری خواهیم بود. نظارت با دخالت بسیار تفاوت دارد هرچند با عادی نگری هر دو با هم اشتباه می شوند.

جز این نتوانم بیشتر به این نکته پردازم تا چه کسانی خواننده این سطور باشند هرچند بسیاری بیش از اینها می دانند. مهم صرفا دانستن نیست بلکه به کار بستن است.